

بندِ ناف

«مجموعه داستان»

سهیلا سجادی

سرشناسه: سجادی، سهیلا، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور: بند ناف : مجموعه داستان/سهیلا سجادی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات پَر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۷۶ص.
شابک: 978-622-6041-01-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Short stories, Persian -- 20th century
رده بندی کنگره: PIR ۸۳۴۸ ۱۳۹۶ ب۹ ۲۱۳ ج /
رده بندی دیویی: ۶۲/۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۱۹۱۴۸



بندِ ناف

- نویسنده: سهیلا سجادی
- طرح جلد: سمر فرزام خواه
- چاپ اول: ۱۳۹۷
- تیراژ: ۳۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۵,۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۰۱-۰ ISBN: 978-622-6041-01-0

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۰۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۰۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۰۵۲۰۲۵۲۰۳۰۹۱۲۳

www.ParNashr.ir

به استاد گرامی:

خانم میترا داور عزیز

که همیشه مشوقم

بودند.

فهرست مطالب

۷	کارواش
۱۲	اسب‌های کوه آلپ
۱۶	قورباغه
۲۴	ساحل
۳۱	بند ناف
۳۷	فانوس
۳۹	نگهبان برج
۴۶	جراحی مجازی
۵۲	دره بختکون
۵۹	ما هم گاهی فراموش می‌شدیم
۶۸	پرونده‌ی خصوصی
۷۱	نرگس و چنار

کارواش

زن دست مرد را گرفت و آرام گفت: دفعه‌ی پیشم همینو گفتمی. امروز می‌خوای چند تای دیگه بار بزنی؟ پنجاه‌تا؟ صدتا؟ چقد می‌شه؟ چند میلیون؟ کدوم چاله رو پر می‌کنه؟

زن گره روسری‌اش را باز و بسته کرد و گفت: به خدا شگون نداره. مگه تا حالا چطور گذشته؟ بازم می‌گذره.

مرد چشم‌های قرمزش را با پشت دست مالید و گفت: انقد نحسی نیار زن! بذار کارمو بکنم. زود باش بیارش! دیرم شده.

زن گفت: آخه صُب کله سحر چرا میری؟

مرد به طرف آشپزخانه رفت. سیگارش را آتش زد و گفت: «شب که راه نداره. تا نور ببینن، تو صد تا سوراخ قایم می‌شن.»

زن گفت: امروز دلم بدجوری شور می‌زنه. همین قد بَسِیمونه. تو رو جَدَت، بذار امروز پرچین رو بچینیم. به ولاهه کلی کار مونده.

- این آخریشه. این بارو ببرم، بعدش ماشینو می‌دم کارواش... یالاً بدش تا زودتر خلاص شیم.

مرد که عصبانی و برافروخته شده بود، گفت: غیرقانونی که نیس. پرده را کنار زد و وارد صندوقخانه شد. قفل صندوق چوبی را باز کرد و تفنگ شکاری را برداشت.